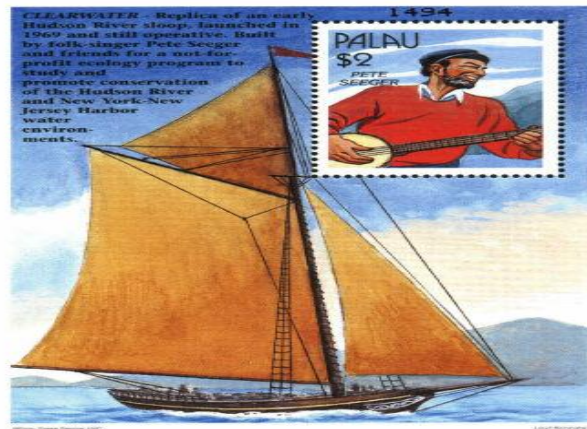


# پاکسازی رودخانه با ترانه نخستین جنبش زیست‌محیطی در جهان

به مناسبت ۵۰ سالگرد به‌آب‌انداختن کشتی بادی آب پاک

قاسم ملکی  
انجمن زیست پایدار



در سال ۱۹۶۲، نبرد قانونی ۱۷ ساله‌ای بر سر احداث یک کارخانه برق‌آبی در دره هادسون در ایالت نیویورک آغاز شد که می‌توان آنرا منشاء جنبش امروزی زیست‌محیطی در ایالات متحده و سراسر جهان دانست. ماجرا از تقاضای شرکت برق ادیسون آغاز شد که علیرغم اعتراض‌های محلی تا اخذ مصوبه از کمیسیون فدرال انرژی ایالات متحده پیش رفت. سه سال بعد، دادگاه تجدیدنظر آمریکا پس از رسیدگی‌های متعدد حکم به عودت پرونده داد. برای نخستین بار در تاریخ ایالات متحده، دادگاهی حکم داده بود که حفاظت منابع طبیعی درست به اندازه منفعت اقتصادی اهمیت دارد. اما، موضوع دیگر جنبه ملی پیدا کرده بود و تعداد زیادی از افراد مشهور درگیر آن شده و از آن پشتیبانی می‌کردند. **پیت زیگر**، خواننده مشهور موسیقی فولک که ترانه‌های زیادی در وصف رودخانه، از جمله ترانه "**قایقرانی بر رودخانه طلایی من**" را در سال ۱۹۶۲ ساخته و اجرا کرده بود و خودش هم در کلبه‌ای چوبی در جوار رودخانه هادسون زندگی می‌کرد به‌جای نام‌نگاری و لابی با دستگاه‌های دولتی، مستقیماً به مردم مراجعه کرد و از آنها با زبان موسیقی و ترانه کمک خواست. او اقدام به تشکیل سازمانی مردم‌نهاد بنام **آب پاک** کرد که پس از جمع‌آوری کمک‌های مالی کشتی بادی آب پاک را ساخت و در روز ۱۷ ماه می ۱۹۶۹ به‌آب‌انداخت.

پس از به‌آب‌انداختن کشتی بادی توسط سازمان مردمی **آب پاک** که متکی بر ایده اجرای کنسرت‌های موسیقی برای جلب مشارکت و حمایت مردم از پاکسازی رودخانه بود، حمایت‌های مردمی از مخالفت با احداث کارخانه برق ادیسون و نیز جلوگیری از دیگر آلودگی‌های رودخانه هادسون شدت گرفت. در آن موقع رودخانه هادسون در اثر هدایت فاضلاب کارخانه‌های صنعتی و نیز حدود ۵۰ روستای مجاور رودخانه به‌حدی آلوده بود که امکان شنای انسان در آن نبود و ماهی‌های رودخانه نیز تلف می‌شدند. ترانه‌های زیادی در مدح زیبایی‌ها و ارزش‌های دره و رودخانه هادسون ساخته شده و در دهکده به دهکده، به شیوه دوره‌گردی اجرا شدند که در ارتقاء آگاهی مردم و تهییج آنها در حفاظت از محیط زیست خود تاثیر فوق‌العاده‌ای داشتند. خواننده موسیقی فولک، کانتری و

بلوز تام وینسلو ترانه‌ای با عنوان " آهای لوکا یوندر، این آب پاک است" اجرا نمود که به سرود اصلی جنبش آب پاک بدل شد. او در این ترانه تلاش‌های انجام شده برای تامین مالی ساخت کشتی بادی و چگونگی همدوشی سپاه و سفید برای مبارزه مشترک را توضیح می‌دهد. این‌جا موسیقی مردمی نقش تاریخی خود را ایفاء نمود و به ابزار آگاهی و جلب مشارکت مردم در پاکسازی محیط خود بدل شد. مالوینا رینولدز، دیگر ترانه‌سرا و خواننده موسیقی مردمی که اولین ترانه درباره باران‌های اسیدی را در سال ۱۹۶۴ بنام "با باران چه کردید" ساخته و اجرا نموده بود، در سال ۱۹۷۰ ترانه زیبایی "آب پاک" را برای تشریح مساعی در این جنبش زیست‌محیطی ساخت و در کوچه و برزن و کنسرت‌های باشکوه دهه ۷۰ اجرا کرد.

پس از موفقیت این جنبش اجتماعی، سازمان آب پاک هر ساله فستیوال موسیقی و زیست‌محیطی خود را در حمایت از احیاء رودخانه بزرگ هادسون برگزار می‌کند و هنر را به وسیله آموزش، ارتقاء آگاهی، تهییج و جلب مشارکت مردم بدل کرده است. امروزه، گروه‌های زیست‌محیطی به تحت فشار قرار دادن نمایندگان برای حفاظت از رودخانه و جلوگیری از هدایت فاضلاب‌های صنعتی به رودخانه ادامه می‌دهند. گروه حافظان رودخانه کیفیت آب را پایش می‌کند و به کارخانه‌های آلوده‌کننده هشدار می‌دهد. آنها منتظر دولت نمی‌مانند تا هستی‌شان ساقط شود و بعد به دنبال مقصر بگردند. از همان ابتدا به نیروی خود جلوی هرگونه تعرض به حقوق‌شان را می‌گیرند و از همه ابزارهای قانونی و حمایت‌های دولتی هم استفاده می‌کنند.

در سال ۲۰۰۲ پیت زیگر نامزد عنوان "قهرمان آب پاک" برای تلاش‌هایش در تصویب قانون آب پاک شد. تلاش‌های خستگی‌ناپذیر او در ایجاد سازمان آب پاک و رساندن پیام آن در استفاده موثر از قانون در تعقیب آلوده‌کنندگان قانون آب پاک را به یکی از موفق‌ترین قوانین زیست‌محیطی آمریکا بدل کرد. پس از مرگ پیت زیگر در ژانویه سال گذشته در ۹۴ سالگی، آژانس حفاظت محیط زیست آمریکا تصدیق کرد که "رهبری پیت زیگر استثنایی بود و کار باورنکردنی او و سازمان آب پاک موجب پاکسازی رودخانه هادسون شد". در سال ۲۰۰۴، کشتی بادی آب پاک به خاطر اهمیتش در جنبش زیست‌محیطی در فهرست ثبت ملی آمریکا قرار گرفت. آب پاک یک خواهرخوانده هم دارد، کشتی بادی وودی گاتری که وقف آموزش پیرامون رودخانه و حفاظت از آن شده است.

و اکنون مانیم و انبوهه مسائل زیست‌محیطی در کشوری که حفظ محیط زیست ظاهراً در زمره موضوع‌های درجه اول آن نیست. از خشک‌شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها، تا هجوم ریزگردها و تمرکز آلودگی‌ها بر شهرهای بزرگ و مناطق کلان‌شهری که زندگی را تا حد نفس کشیدن با چالش روبرو کرده است. آیا ما قادریم صدایی در حفظ حیات خود داشته باشیم که بتواند بر روند امور اثر گذارد، یا باید ناظر مرگ تدریجی خود و دیگر موجودات بر محیطی باشیم که صحیح و سالم از نسل قبل از خود تحویل گرفته‌ایم؟ دیگر، متاسفانه و یا خوشبختانه، راه گریزی برای عدم پاسخ به این پرسش کلیدی باقی نمانده است.

